

شاه و دربار در ایران باستان

(۵۵۹ - ۳۳۱ قبل از میلاد)

فاطمه کرم‌پور

شاه و دربار در ایران باستان عنوان کتابی است نوشته لوید لوین - جونز که از مدرسان تاریخ باستان دانشکده تاریخ، عصر کلاسیک و باستان‌شناسی دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند است. آداب و رسوم و فرهنگ عامه مردمان باستانی ایران و یونان از علاقه‌مندی‌های پژوهشی نویسنده بوده است. لاک‌پشت آفروdit: زنان مستوره یونان باستان، پرسیکا داستان‌های مشرق زمین، تاریخ شاهنشاهی پارس به روایت کتزیاس و شاه و دربار در ایران باستان از تألیفات وی می‌باشد.

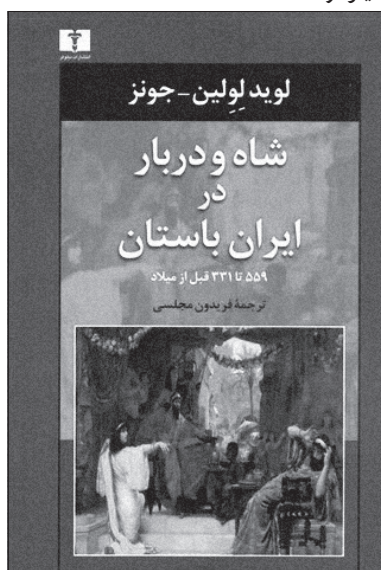
شاه و دربار ایران باستان کتابی است درباره فرهنگ اشرافی پادشاهی افسانه‌ای هخامنشی ایران که شرح اسطوره‌ای کاخ‌ها و بزم‌ها و حرم‌سراهای دولت هخامنشی را که تا قرن‌ها در داستان‌های پریان باقی مانده است بیان می‌کند. نویسنده سعی کرده است با گذشتن از کتتابی‌های متون باستانی و سنگ‌نگاره‌ها، تصویری مدرن از تاریخ باستانی ایران ارائه دهد. این رمزگشایی‌های باستانی لذتی عمیق در جان مخاطب باقی می‌گذارد؛ زیرا نویسنده از بند واژگان پرطمطراق باستانی رها شده و کلمات ساده‌تری را جایگزین نموده است. شاید مهم‌ترین ویژگی این کتاب را باید لذتی دانست که نویسنده توانا در مخاطب ایجاد می‌کند؛ لذتی که از سادگی کلمات و واژگان استفاده شده به وجود می‌آید و خواننده را با خود به ژرفای تاریخ می‌کشاند، جایی که غبار شک‌ها را کنار زده و با حقیقتی روشن درباره شاه و دربار ایران مواجه شود.

مؤلف اذعان دارد که کتابش در گستره تألیفاتی چون «تاریخ امپراتوری پارس» اثر ارزشمند پیر بریان نیست، اما نمی‌توان از دقت نظر نویسنده در بیان ساختار اداری - سیاسی دولت هخامنشی گذشت. ضمن اینکه خود نویسنده در مقدمه متن متذکر این معنا شده است که هدفش بیان تاریخ دولت هخامنشی و شرح فتوحات و شرایط اقتصادی نیست و آنچه او به دنبال آن بوده است کشف حقایق پنهان از زوایای درونی این سلسله است که کمتر مورد توجه تاریخ‌نویسان بوده است.

از نکات مهم کتاب انتخاب عنوان‌های خاص برای هر بخش و قسمت است. اسم‌های منتخب نویسنده و به تبع آن مترجم یک ترغیب ذهنی و گاه چالشی برای مخاطب ایجاد می‌کند، هرچند عناوینی که برای هر فصل آمده است گاهی با عنوان درون متن متفاوت است. نویسنده در این ایده خلاقانه در ابتدای فصول قسمتی از یک واقعه تاریخ معاصر را که با آن قسمت قرابت معنایی دارد آورده است.

لوید لوین جونز در بخش اول کتابش با عنوان مباحثات آنچه را در یک زندگی اشرافی مورد نظر بوده است در پنج فصل بررسی کرده است.

شاه و دربار در ایران باستان (۵۵۹ - ۳۳۱ قبل از میلاد)؛ لوید لوین - جونز؛ فریدون مجلسی؛ تهران: نیلوفر، ۱۳۹۴.



فصل اول: شاه و مردانش

فصل اول از بخش مباحث به شیوه تاجگذاری پرداخته است و نکات ریزی را در شیوه نامگذاری شاه هخامنشی و معنای آن بیان کرده است و سعی کرده نهایت دقت تاریخی یک نویسنده در بیان جزئیات مراسم تاجگذاری و علت احتمالی آن را بیان کند.

مسئله مهم‌ترین مسئله در چنین مراسم‌های نمادینی به تخت‌نشستن شاهزاده‌ای است که یا پدر قدرتمندی داشته که ولی عهدی وی را تضمین کرده باشد یا خود در میان بزرگان کشور به هر دلیلی دارای پایگاهی ویژه باشد. جنگ‌های جانشینی در دوران اولیه حکومت پارس یکی از دلایل ضعف درونی امپراطوری هخامنشی است. در این قسمت از کتاب به شرح وظایف شاهزاده منتخب برای جانشینی، شیوه زندگی و اموری که وی برای آموختن شیوه حکومت‌داری نیاز داشته اشاره شده است.

شیوه حکومت ایرانی همیشه در سایه قدرت الهی و آسمانی است. پادشاه همیشه ظل الله است و صاحب فره ایزدی که از آسمان به وی اعطا شده است. تخطی از فرمان شاهنشاه عناد با آسمان دانسته می‌شود و شاهنشاه انسانی با ویژگی‌های نیمه‌خدایی است. البته نویسنده رد پای این اندیشه را تا دوران نوآوری گرفته است. در قسمتی از فصل شاه و مردانش به مسئله مذهب و خدا میان درباریان ایران اشاره شده است. بررسی نمادها و نگاره‌های موجود در سنگ‌نبشته‌ها، ابزار نویسنده در رمزگشایی نقش خداوند در میان دربار هخامنشی بوده است.

القاب و عناوین سلطنتی یکی از علاقه‌مندی‌های باستانی ایرانیان است که در بخشی از عادات درباری ایران به آن اشاره شده است؛ عناوین سلطنتی مخصوص شاه و ریشه‌های باستانی و خاستگاه آن و دلایل سیاسی‌ای که شاه جدید را در انتخاب نام یاری می‌کرده است.

دیوان سالاری هخامنشی بخشی دیگر از فصل شاه بزرگ و مردمانش هست که با تیتیری خاص شناسانده شده است: «ملزم به اطاعت و خدمت: نخبگان موروثی پارس»، عنوانی کوتاه، اما گویا و روشن از وضعیت دربار هخامنشی. نزدیکی به شاه و ویژگی طبقاتی و وظایف اشرافیت موروثی در این قسمت بررسی شده است. دیوان سالاران، خادمان درباری و مترجمان و سفرا عناصر اساسی دربار بیرونی معرفی می‌شوند. پزشکان خارجی که حافظان سلامتی شاه بودند قسمتی از این دربار را تشکیل می‌داند و ارتش جاویدان و نگهبانان شخصی شاه و دربار که جزء مملوکات الزامی هر درباری است و شرح وظایف و انتظاراتی که از این ارتش می‌رفته است در این قسمت آورده شده است.

فصل دوم: تجمل و وضعیت: سلطنت در معرض نمایش

در این فصل به طور مشخص‌تری به آیین‌های مرسوم دربار هخامنشی اشاره شده است و سعی شده با بررسی جزئیاتی خاص به رمزگشایی از وضعیت زندگی دربار اشاره شود. نویسنده در این بخش به بررسی سایه‌وار زندگی شاه هخامنشی در دربار و دلایل آن پرداخته است و تضادهای یک سلطنت شرقی و غربی را در این زمینه بیان می‌کند.

تئوری غیرقابل دستیابی شاهنشاه در معماری اقامتگاه وی نیز پی گرفته شده است. نویسنده معتقد است که شکل خاص کاخ نشان‌دهنده میل شاه برای دست‌نیافتنی بودن است. نویسنده یکی از نشانه‌های بزرگی و عظمت یک پادشاه را داشتن کاخ‌های افسانه‌ای می‌داند. کاخ‌های سلطنتی یا به تعبیر خاص نویسنده «ویت»، مراکز فعال قدرت در سرتاسر امپراطوری بودند که شامل بایگانی‌ها، کتابخانه‌ها و ادارات دولتی بودند.

دربار هخامنشی به نوعی از لباس و آرایش مردانه محتاج بود که بتواند معیارهای زیبایی‌پارسی را به خوبی نشان دهد، شیوه آراستن مو، ریش و نیز نوع پوشش سلطنتی بر اساس نگاره‌های باستانی تحلیل شده است.

فصل سوم: شاه بزرگ در امپراتوری خود

بررسی سرزمین‌های شاهنشاهی، ساتراپ‌ها و شهرهای مهم و دلیل و درجه اهمیت هر یک از آنها در این فصل بررسی شده است و نیز راه شاهی که مراکز مهم قدرت را به یکدیگر پیوند می‌داد و ریشه‌های روان‌شناختی به وجود آمدن آن از علایق پژوهشی نویسنده در این فصل بوده است. زمانی که سخن از راه‌های مواصلاتی تمدنی به بزرگی و شکوه هخامنشی باشد، قطعاً اسباب سفر و حمل و نقل عمومی نیز بخشی از این داستان خواهد بود و صد البته اسب و اهمیت آن در جهان باستانی و تأثیری که این حیوان در جنگ‌ها و مهاجرت‌ها ایفا می‌کرده است قسمتی از ماجرا خواهد بود. در این تمدن نقش روستاها و اهمیتی که این واحد کوچک اجتماعی در اقتصاد کشور داشته است بررسی شده است.

فصل چهارم: زنان سلطنتی و دربار

شکوه و عظمت حرم‌سرای پادشاهان هخامنشی در داستان‌های جهان فروغی جاودان داشته است؛ داستان‌هایی که توسط شرق‌شناسان برجسته‌ای رد شده است. نویسنده به دنبال رد پای این تفکرات در داستان‌ها و رمان‌های اروپایی می‌گردد. در این بخش به تفصیل به واژه حرم پرداخته شده است و سعی کرده به این سؤال پاسخ دهد که آیا در دنیای باستانی حرم به مفهوم امروزی آن وجود داشته است؟ آیا برای آن بنای خاصی در نظر گرفته می‌شده است؟ سلسله مراتب قدرت در این وادی خاموشان چگونه بوده است؟ برای دولت‌سرای زنانه چه کسی حکم می‌رانده است؟ وقتی حرم‌سرای برای شاهی متصور شود، قطعاً زنانی در آن زندگی می‌کنند که یا بنا به موقعیت اجتماعی خویش همسر قانونی شاه هستند یا جزء همدم‌های سلطنتی و مملوکات کاخ‌های شاهی هستند و از اینجاست که داستان‌های هزار و یک شب ساخته می‌شود.

فصل پنجم: بیم و امید در زندگی درباری

نویسنده در یک عنوان درونی این فصل را شادی‌ها و مخاطرات زندگی درباری نامیده و به فراز و فرود زندگی دربار پرداخته است. سرگرمی‌هایی مانند شکار، هنر و صنعت قسمت خوش‌رنگ و لعاب دربار هخامنشی است. بزم‌های شبانه و مهمانی‌های شاهانه پای ثابت شادی‌های سلطنتی خواهند بود. شادخواری سلطنتی و شکار همیشه نشانه‌ای از زندگی اشرافی ایرانی بوده است. آنچه نویسنده مخاطرات نامیده است شامل شورش‌ها و آشوب‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی دربار است. دربار همیشه عرصه زدوبندهای سیاسی برای دست‌یابی به قدرت بیشتر است؛ جایی که هر دسته سیاسی سعی می‌کند تا سهم بیشتری از قدرت داشته باشد و خاندان‌های حکومت و صاحبان قدرت می‌کوشند تا شاهزادگان محبوب خود را به تخت بنشانند. در این گیرودارهای مردانه گاه زنان نیز وارد کارزار می‌شدند و با استفاده از قدرت معنوی خویش از دشمنان خویش انتقامی سخت می‌گرفتند که معروف‌ترین نمونه‌اش مرگ کوروش جوان است. زمانی که امپراطوری در سراسیمی سقوط قرار گرفت قتل و به زیر کشیدن شاه از آریکه قدرت به سنتی تلخ در تاریخ هخامنشی تبدیل می‌شود. شاهزادگان یکی پس از دیگری به این مسلخ کشانده می‌شدند تا بعد از مراسم رسمی عزاداری تاجگذاری انجام شود.

نویسنده در بخش دوم کتابش سعی کرده است تا مدارک و مستندات باستانی مربوط به بخش اول کتاب را از متون باستانی، سنگ‌نبشته‌ها، الواح ایلامی، بابلی و اکدی بیاورد. وی در یادداشتی درباره علائم اختصاری سعی کرده است با آوردن برخی نشانه‌های استاندارد شده دانشگاهی به خوانندگانی که آشنایی کافی ندارند کمک کند. همچنین در ادامه همین یادداشت جدول زمانی شاهان هخامنشی، نقشه امپراتوری پارس و نقشه برخی ساختمان‌های مورد بحث در متن را نیز آورده است. نویسنده در پایان بخش دوم در عنوانی جدا منابع مکتوب باستانی که خوانندگان را بیشتر با تاریخ باستانی ایران آشنا می‌کند آورده است.

جشن نامه

دکتر کورش صفوی

مرتضی غلامی

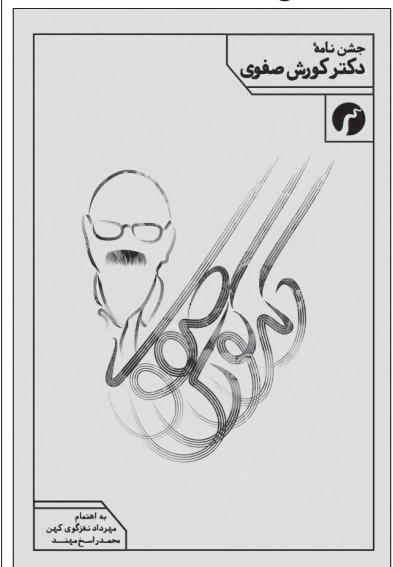
پیشینه تألیف و تدوین جشن نامه برای فرزندان و دانشی مردان ایرانی به قبل از انقلاب برمی‌گردد. این تقدیر از خدمات علمی دانشمندان و تکریم و بزرگداشت آنان، نشانه قدرشناسی جامعه فرهنگی ایران از دانش و فرهنگ و حافظان و مروجان علم در کشور است. در سال‌های اخیر تدوین جشن نامه در زمان حیات فرهیختگان علم و ادب دوچندان شده و از حالت انحصار به افراد سالخورده بیرون آمده و برای میان سالان هم جشن نامه تدوین و منتشر شده است. یکی از استادان و صاحب‌نظران رشته زبان شناسی که در این گفتار به معرفی جشن نامه ایشان پرداخته شده دکتر کورش صفوی است.

نخستین همایش ملی «زبان شناسی نقش‌گرا» در شهریورماه در دانشکده علوم انسانی دانشگاه همدان برگزار شد. در این همایش از کتاب «جشن نامه دکتر کورش صفوی» رونمایی شد که در این گفتار معرفی مختصری از مقالات این کتاب آورده شده است. این کتاب در بردارنده هجده مقاله در حوزه زبان شناسی و مسائل مربوط به آن است. از ویژگی‌های این جشن نامه انتشار بیشتر مقالات این مجموعه برای نخستین بار در این جشن نامه است.

در ابتدای کتاب گفتگویی از کورش صفوی آورده شده که در آن ایشان ضمن اشاره به زندگی نامه خود، مسائلی را در حوزه زبان و زبان شناسی و آسیب‌های آن بیان کرده‌اند. در ابتدای گفتگو ایشان درباره زندگانی خود می‌گوید: «خب بگذارید از اول شروع بکنم. اول اول‌اش ششم تیرماه ۱۳۳۵ در بیمارستان میثاقیه تهران بود. بعدش تا دیپلم در آلمان و اطریش و بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۰، دیپلم‌ام را ایران قبول نداشت و مجبور شدم به دبیرستان هدف ۴ آن موقع بروم و دوباره دیپلم ریاضی بگیرم. به رشته زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه تهران رفتم و سال بعدش خودم را به مدرسه عالی ترجمه منتقل کردم و سال ۱۳۵۴ لیسانس گرفتم. همان سال برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و بعد از یک فصل در دانشگاه ایالتی اوهایو و دو نیم‌سال در ام‌آی‌تی به دلیل بیماری پدر به ایران برگشتم. دوباره کنکور دادم و سال ۱۳۵۶ وارد دوره کارشناسی ارشد زبان شناسی دانشگاه تهران شدم. پیش از انقلاب فرهنگی مدرک‌ام را گرفتم و در همان سال ۱۳۵۶ اول به صورت حق‌التدریس و بعدش به صورت قراردادی و پیمانی به استخدام دانشکده علوم و ارتباطات درآمدم. وقتی دوره دکتری زبان شناسی دانشگاه تهران بازگشایی شد وارد این دوره شدم. این میان چیزی حدود بیش از ده سال بین کارشناسی ارشد و دکتری فاصله افتاد و بالاخره در اوایل دهه ۱۳۷۰ مدرک‌ام را گرفتم».

در قسمتی از این گفتگو در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت معنی‌شناسی در ایران این‌گونه آمده است: «... من نمی‌دانم در حال حاضر چند معنی‌شناس در ایران داریم. منظورم معنی‌شناس است، نه کسی که می‌تواند معنی‌شناسی تدریس کند. مسلماً این دو خیلی با هم فرق می‌کنند. اندیشیدن در باب معنی یک

جشن نامه دکتر کورش صفوی؛
جمعی از نویسندگان به کوشش
مهرداد نغزگوی کهن و محمد
راسخ‌مهند؛ تهران، سپاه‌رود، ۱۳۹۴



چیز است و گزارش اندیشیدن دیگران چیز دیگری است. ما در این مورد دوم با مشکل مواجهیم. نه فقط در معنی‌شناسی، بلکه در بسیاری دیگر از شاخه‌های زبان‌شناسی هم با همین مشکل درگیریم».

در نخستین مقاله این کتاب نظرات دکتر صفوی درباره خط فارسی بررسی شده است. خط و زبان از مسائل طرح شده در این مقاله است. نویسنده همچنین یادآور شده زبان توانایی ذاتی در وجود بشر است و گفتار و نوشتار بازتاب‌های این توانایی هستند. درباره تغییر خط نیز آمده که نظام نوشتاری فارسی از ویژگی قرارداد آگاهانه برخوردار است و هرگونه تغییر در آن در صورت لزوم امری طبیعی است و این تغییر و اصطلاح خط به معنای تغییر زبان نیست، بلکه به معنای حفظ و اشاعه زبان نیز می‌باشد.

نویسنده دومین مقاله چگونگی مفهوم‌سازی «زمان» در زبان فارسی را بررسی کرده است. در این مقاله زبان به مثابه یکی از مقوله‌های شناختی و دستوری معرفی می‌شود. همچنین استعاره و دریافت زمان بر اساس تقابل میان سکون و حرکت نیز ابزارهای مفهوم‌سازی زمان بیان شده است و در ادامه الگویی معرفی می‌شود که در قالب چهار شرط انواع شیوه‌های مفهوم‌سازی زمان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده مقاله «تحلیلی کمینه‌گرا از گروه نقش نمود در نحو زبان فارسی» به بررسی امکان در نظر گرفتن گروه‌های نقشی نمود در تحلیل نحوی و شیوه نمایش آن در نمودار درختی در زبان فارسی می‌پردازد. ابتدا با تفکیک گروه نمود به دو فرآکن نمود کامل و استمراری، تحلیل‌های مناسب برای هر یک از این دو زبان فارسی ارائه شده و با شواهدی نشان داده شده فعل واژگانی به هسته گروه کامل جذب می‌شود و به همراه فعل معین سازه واحدی شکل می‌دهند. در این مقاله پیشنهاد می‌شود عنصر «داشتن» در هسته گروه استمراری قرار گیرد و گروه زمان بر اساس فرایند مطابقت چندانگانه، ویژگی شخص و شمار در عنصر «داشتن» و فعل اصلی را به طور همزمان بازبینی کند.

تجلی حضور اسطوره در باورها و آیین‌های مذهبی، آداب و سنن قومی و حوزه هنر دارای پیشینه پژوهشی غنی است، اما بازتاب آن در دیدگاه‌های علمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله چهارم با هدف بررسی زیربنای شناختی انسان، نگاهی نو به حضور اسطوره در محافل علمی دارد و تأثیر آن بر حوزه علم را بررسی می‌کند. در واقع این نوشتار از زاویه‌ای دیگر تلاش انسان برای شناخت جهان در چرخه بی‌پایان اسطوره، دین، فلسفه، علم و بازگشت مجدد به دنیای اسطوره را بررسی می‌کند.

«باید» در کتاب‌های دستور زبان فارسی، فعلی شبه‌معین معرفی شده که عهده‌دار بازنمایی مفاهیم اجبار، الزام و ضرورت است. در پنجمین مقاله از این کتاب سیر تکوین و تحول این فعل به عنوان یکی از پربسامدترین افعال معین وجهی زبان فارسی بررسی شده است. در ادامه نشان داده شده چگونه این واحد دستوری از فرایند دستوری شدگی از فعلی واژگانی با معنای حرکتی و پس از آن با معنای ارزیابی یا به عرصه وجود گذاشته و در گذر زمان در کنار بازنمایی مفهوم وجهیت کنش. محور، نقش وجهی کنشگر محور را نیز به دست آورده است؛ روندی که سبب دستوری شدن این فعل شده است.

مقاله «تعیین مقوله مصدر در زبان فارسی» تلاشی است در چارچوب نقش‌گرایی برای تعیین مقوله مصدر. در این مقاله با پذیرش دیدگاه سرنمون در مقوله‌بندی، کوشش شده ویژگی‌های معنایی سه‌نمون‌های دو طبقه اسم و فعل تعریف و سپس دوری و نزدیکی مصدر به این دو طبقه مشخص شود. در واقع این مقاله نشان دهنده این نکته است که تلاش در قرار دادن مصدر در یکی از دو طبقه اسم و فعل تلاشی بی‌نتیجه است؛ چرا که خود طبقات اسم و فعل هم یک‌دست نیستند و تعریف سه‌نمونی آنها نشان دهنده این است که مصدر نیز می‌تواند گاهی به طبقه اسم یا فعل نزدیک شود.

مقاله نهم به بررسی سه مقاله از سه صاحب‌نظر در رشته مطالعات ترجمه می‌پردازد که با بهره‌گیری از دیدگاه نقش‌گرای هیلیدی و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی عرصه نوینی پیش روی مطالعات و نقد

ترجمه گشوده‌اند. این سه مقاله به ترتیب عبارتند از: گونه، نوع و فردیت متن: تصمیم‌گیری در ترجمه اثر کاتارینارایس زبان‌شناس آلمانی، ارزشیابی کیفی ترجمه: توصیف زبانی در مقابل ارزیابی اجتماعی به قلم جولیان هاوس دکترای زبان‌شناسی کاربردی و تحلیل گفتمان سیاسی از دیدگاه مطالعات ترجمه اثر کریستینا شفر دکترای رشته مطالعات ترجمه.

گونه خاصی از فعل‌های زبان فارسی ساختار منحصربه‌فردی دارند که مجموعه‌ای از انواع فعل‌ها را دربرمی‌گیرد. این فعل‌ها با نام‌های لازم یک‌شخصه، ناگذر مرکب، غیرشخصی و فعل مرکب ضمیری نامیده شده‌اند. در دهمین مقاله از این کتاب به آنها نام فعل پی‌بستی داده شده و انواع آن با توجه به کارکرد و ساختارشان بررسی شده است.

نوشتن کتاب به معنای اخص کلمه، برای زبان فارسی قدمت چندانی ندارد. البته در ایران پژوهش در این باره به دوران بسیار کهن بازمی‌گردد. در مقاله یازدهم ابتدا تاریخ دستورنگاری و سپس خاستگاه‌های مختلف اصطلاحات دستوری بررسی شده است. نگارنده این مقاله برای نمونه شش اصطلاح را از این حیث بررسی کرده و برای اصلاح آنها پیشنهادهایی داده است که این اصطلاحات عبارتند از ترکیب، اشتقاق، جمله مرکب، تمیز، پسوند واژه و اسم جمع.

مقاله بعدی اختصاص به بررسی وزن ترانه‌ها در تصنیف‌های فارسی دارد. بررسی وزن ترانه‌ها در تصنیف‌های گوناگون نشان‌دهنده این امر است که وزن آنها همواره تابعی از ضرب‌آهنگ موسیقی تصنیف است و به طور مطلق نمی‌توان نظام وزنی خاصی را برای آنها تعیین کرد. نویسنده در این مقاله به وزن ترانه‌ها یا همان متن در تصنیف‌های فارسی پرداخته و نشان داده که ترانه‌ها از حیث وزن تنوع گوناگونی دارند.

پسوندها «ک» از پسوندهایی است که در فارسی امروز به کار می‌رود و به لحاظ صرفی، معنایی و کاربردشناختی ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. در مقاله سیزدهم ضمن اشاره به مهم‌ترین معناها و کارکردهای این پسوند بر این نکته تأکید شده که کوچک‌سازی تنها یکی از کارکردهای حاشیه‌ای آن است و این پسوند در مهم‌ترین کارکردهای خود هیچ ارتباطی با مفهوم کوچک‌سازی ندارد.

پی‌چین نظامی ارتباطی است که میان مردمی از دو زبان جداگانه پدید می‌آید که در نتیجه تجارت، استعمار، برده‌داری یا امثال آن با هم در ارتباط کلامی قرار گرفته‌اند. این سنت در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و نمونه طنز آن را می‌توان تا زمان عبید زاکانی پیگیری کرد. در مقاله چهاردهم رمان «ماشاءالله‌خان در بارگاه هارون الرشید» نوشته ایرج پزشک‌زاد بررسی و نمونه‌هایی از آن آورده شده است.

در مقاله پانزدهم سعی نویسنده ضمن نشان دادن اهمیت واژگان در کنار دستور، این موضوع که بسیاری از ساختارهای زبانی ماهیتی پیش‌ساخته دارند را بررسی می‌کند. در این مقاله نویسنده بر آن است تا مشخص کند در یک بافت موقعیتی یکسان و گویش‌ورانی با میزان تحصیلات نسبتاً مشابه برای واژه‌هایی مشخص چه نوع جملاتی تولید می‌شود، مفهوم اصلی واژه‌های مدنظر چیست و با توجه به معنی موردنظر پاسخگو چه باهم‌آیندهای نحوی و واژگانی در نظر گرفته می‌شود.

هفدهمین مقاله کوششی است برای معرفی دیدگاه‌های معنی‌شناختی زبان‌شناسان مسلمان و تبیین جنبه‌هایی از سهم مطالعات زبان‌شناسی ایرانی. اسلامی در مفاهیم زبان‌شناسی نوین. به همین منظور ضمن مرور مختصری بر تاریخچه فقه اللغة اسلامی، مهم‌ترین آرای چند زبان‌شناس غربی درباره سنت زبان‌شناسی اسلامی بررسی شده و رویکردهای معنی‌شناختی زبان‌شناسان مسلمان تبیین شده است.

این کتاب در ۴۰۸ صفحه در سال ۱۳۹۴ و توسط انتشارات سیاه‌رود تهران در ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است. طراحی کتاب با استفاده از تصویر دکتر کوروش صفوی بسیار زیباست. نیز کتاب از صفحه‌آرایی مناسبی بهره‌مند است که خوانش متون را آسان می‌کند.

نشریات ویژه زنان

سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر

نیره خداداد شهری

کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء

اشاره

بانوان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه بخش مهمی از بار توسعه را بردوش داشته و با حمل آن وجود کارساز خود را در کنار برادران خویش به اثبات رسانده و سعی در به راستی رساندن هستی خویش دارند. در ایفای این نقش ارزنده بی‌شک اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با دستیابی به هنگام و درست آن زنان با آمادگی نسبی وارد عرصه شده و رسالت خود را بهتر انجام خواهند داد.^۱

اگر قرن بیست و یکم را قرن تنوع و تکثر رسانه‌ها و عصر اطلاعات نام نهاده‌اند، نباید از یاد ببریم که برای بیش از یک قرن و نیم، بار این مهم بردوش مطبوعات بوده و اختراع ماشین چاپ بیشتر از آنکه به در دسترس همگان قرار دادن کتاب کمک کرده باشد، به جهانی‌کردن اخبار و اطلاعات از طریق مطبوعات یاری رسانده است. علاوه بر اطلاع‌رسانی، رسالت مهم دیگر مطبوعات بیان افکار و نظرات نوین و تبلیغ اندیشه‌ها و جریان‌های فکری در سطوح گسترده و قابل دستیابی برای عموم بوده است و باز از این فراتر، نگاه نقادانه مطبوعات به رویدادها و مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چه در روزمرگی و چه به صورت کلان، نویسندگان و تحلیل‌گران مطبوعات را به مقام «وجدان بیدار جامعه» ارتقاء داده است.

شاید از همین رو یکی از معیارهای سنجش آزادی در جوامع بشری در سراسر جهان، میزان آزادی مطبوعات است و باز شاید به همین دلیل هر حزب گروه یا جریان فکری به محض آنکه شکل گرفته، به عنوان اولین گُش عملی به انتشار نشریه یا خبرنامه یا بولتن داخلی اقدام کرده است.

جنبش زنان نیز از این قاعده مستثنا نیست. اگر به تاریخچه مبارزات زنان جهان برای کسب حقوق انسانی و رفع تبعیضات جنسیتی بنگریم، درمی‌یابیم که در هر جا این حرکت شکل گرفته، حتی در مراحل آغازین، اولین اقدام انتشار نشریه برای بیان مسائل و همچنین شناساندن اهداف و آرمان‌های آتی بوده است.

در کشور ما خبر و اطلاع‌رسانی قصه دیگری دارد. اینجا از دیرباز سرزمین فرهنگ شفاهی و شنیداری است. علاوه بر این ساختار حکومتی به دلیل جدایی از مردم بی‌بسته بنا بر این داشته که بی‌خبری و فقدان آگاهی را تبلیغ کند و گسترش دهد تا مبادا مردم دریابند که آنچه بر آنان می‌گذرد سرنوشت محتوم و بر پیشانی نوشته شده نیست و از طاعت سرباز زنند. جالب آنکه اولین روزنامه خبری نیز برخلاف سایر نقاط جهان نه در مطبوعه مردمی و به دست مردم که در دیوان خانه حکومتی و از سوی مقامات حاکمه انتشار یافت؛ وقایع اتفاقیه.

با توجه به چنین وضعیت و موقعیتی که بر جامعه مستولی بود، شاید بهتر بتوان به اهمیت و عظمت انتشار اولین نشریات ویژه زنان پی برد. بی‌شک زنانی که جان و هستی خود را به قمار گذاشتند و خطر آگاه‌کردن

۱. نشریات ویژه زنان، ص ۱۱.

ببران، صدیقه؛ نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر؛ تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۴، ۲۶۸ صفحه.



زنان را پذیرا شدند و بار چنین رسالتی را بر دوش کشیدند حتی بزرگ به گردن زن و مرد ایرانی دارند.^۲

معرفی اثر

نشریات ویژه زنان چهارمین کتاب چاپ اول از مجموعه کتاب‌های بخش مطالعات زنان است که انتشارات روشنگران و مطالعات زنان به انتشار آن اقدام کرده است. انگیزه ناشر در چاپ این اثر نقش مهم و انکارناپذیری است که مطبوعات در سیر تحولات سیاسی-اجتماعی جهان ما بر عهده داشته‌اند.

مؤلف در پیشگفتار در خصوص انجام این پژوهش، این چنین توضیح می‌دهد: «بر این باوریم که پژوهش حاضر با نگرشی در تاریخ این بخش از رسانه‌های کشور، شاید بتواند با ارائه تصویری از نشریات ویژه زنان در مقاطع تاریخی و ارزیابی توانمندی‌ها و بازنگری کمبودها و کاستی‌ها و آسیب‌شناسی آنها، زمینه مناسب را جهت اصلاح ساختار و عرضه بهتر تازه‌واردان این عرصه فراهم آورد».

مباحث این اثر در سه بخش سامان یافته است. البته پیش از شروع محتوای کتاب، ابتدا ناشر «سخنی با خواننده» داشته و در خصوص انتشار این اثر توضیحاتی ارائه شده است. سپس پیشگفتاری به قلم دکتر علی‌اکبر فرهنگی (استاد و مدیر گروه مدیریت رسانه‌ای دانشگاه تهران) و در نهایت پیشگفتار مؤلف آورده شده است.

چنان‌که ذکر شد مباحث در سه بخش تنظیم شده است.

بخش اول با عنوان «سیمای زن ایرانی در گردونه‌ی ادوار» در نه صفحه به صورت اجمالی سیمای زن ایرانی را در ایران باستان، انقلاب مشروطیت، تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی به تصویر می‌کشد.

بخش دوم «روزنامه‌نگاری و زنان در ایران» نام دارد که در سه صفحه مقدمه‌ای برای فصل سوم و اصلی کتاب محسوب می‌شود.

بخش سوم با عنوان «نشریات تخصصی زنان در تاریخ ایران» و با ۲۳۵ صفحه بخش اصلی کتاب است. در این فصل سعی شده تا با یک برش طولی در تاریخ ایران، مقاطع مهم این تاریخ را برجسته نموده و نشریات زنان کشور در این مقاطع بررسی شود تا از این طریق هم سابقه‌ای از این‌گونه فعالیت‌های فرهنگی زنان در اختیار باشد و هم با بررسی نقاط قوت و ضعف آنها زمینه برای خلق مطبوعات زنانه ایده‌آل فراهم گردد.

در اینجا تاریخ ایران به ده دوره تقسیم شده است. سپس به معرفی و بررسی نشریات زنان در محدوده‌ی هر دوره‌ی تاریخی پرداخته شده است. در ادامه به اجمال این ده دوره معرفی می‌شود.

دوره اول (از ابتدای چاپ اولین نشریه کشور تا آغاز مشروطیت): در این دوره اثری از نشریات زنانه نمی‌بینیم.

دوره دوم (از اعلام مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹): در این دوره ده ساله (۱۲۸۹ ش - ۱۲۹۹ ش) سه نشریه تخصصی زنان با عناوین دانش، شکوفه و زبان زنان منتشر شدند که همگی مقارن با عصر احمدی بودند و متأثر از جو زمان.

دوره سوم (از کودتای ۱۲۹۹ تا پایان حکومت رضاشاه ۱۳۲۰): در این دوره تقریباً ۲۰ ساله، ۱۳ نشریه با عناوین ذیل منتشر می‌شدند: نامه بانوان، عالم نسوان، زنان ایران، جهان زنان، زبان زنان، جمعیت نسوان وطن خواه ایران، نسوان شرق، رهنمای بانوان، پیک سعادت نسوان، گل رعنا و زیبا، نورافشان، دختران ایران، نامه بانوان ایران و راهنمای زندگی. در این میان عالم نسوان با ۱۳ سال انتشار بیشترین عمر را داشته است. بیشتر این نشریات در طول سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ منتشر شدند و در طول ده ساله دوم تنها سه نشریه زنانه یعنی دختران ایران، نامه بانوان ایران و راه‌های زندگی منتشر شده‌اند که آخری

۲. نشریات ویژه زنان، ص ۸.

تنها زنانه نبوده و بیشتر جنبه خانوادگی دارد. کلیه این نشریات با توجه به ویژگی‌های زمان چاپ که دوره حکومت رضاشاه بوده است، تحت استبداد و نظارت کامل حکومت وقت بوده و همگی دولتی هستند.

دوره چهارم (از سال ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش): پس از خروج رضاشاه از کشور و به تخت نشستن محمدرضا صد ها نشریه با تیراژ بالا به جراید کشور اضافه شدند. از خصوصیات این دوره تقلیل سانسور و کنترل دولتی است. در پایان این دوره یعنی از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ همگام با نهضت ملی نفت و آزادی بی‌حد و حصر مطبوعات بر تعداد جراید افزوده می‌شود. به طور کلی در این دوره ۱۲ ساله، ۳۰ نشریه زنانه به نشریات کشور اضافه شدند.

دوره پنجم (پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲): پس از کودتا اختناق مطبوعات بر همه ارکان مملکت، خصوصاً مطبوعات حاکم شد. در این دوره ده ساله نشریات تخصصی زنان محدود به ۷ نشریه می‌شد که یا کاملاً دولتی و یا خنثی بودند.

دوره ششم (از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا آغاز اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷): ویژگی‌های کلی مطبوعات در طول این دوره خاموش ماندن مطبوعات، صرفاً دولتی بودن و چاپلوسی برای رژیم، تشدید همه‌جانبه سانسور، افزایش مطالب و تبلیغات مبتذل و مستهجن در جراید بوده که البته این خصوصیات در نشریات زنانه مضاعف بوده است. در این دوره ۱۵ ساله شاهد ۱۱ نشریه زنانه هستیم که هر کدام بیش از دیگری کاملاً وابسته به دولت و مجری اهداف آن بودند.

دوره هفتم (از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ تا شروع جنگ ایران و عراق ۱۳۶۰): با پیروزی انقلاب تعداد و تیراژ جراید کشور به طور غیر قابل باوری افزایش یافت که البته از جهت فراوانی دچار پراکندگی روش‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی شده بودند. این دوره سه سال به طول انجامید و در پایان آن نشریات زنانه ثبات

بیشتری یافتند. به غیر از مجله زن روز که از سال ۱۳۴۳ و دوره قبل منتشر می‌شد، حدود ۱۸ نشریه دیگر منتشر شد که تعداد زیادی از آنها مربوط به گروه‌های چپ بود. در این دوره است که برای اولین بار شاهد نشریات زنانه مذهبی هستیم.

دوره هشتم (از ابتدای جنگ ایران و عراق ۱۳۶۰ تا انتهای جنگ در ۱۳۶۸): در این دوره هشت ساله، تعداد نشریات و تیراژ آنها تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. دیگر از نشریات گروهک‌های چپ خبری نبود. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این دوره ظهور نشریات زنان به زبان‌های انگلیسی، عربی و اردو بود.

دوره نهم (از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۸ تا پس از خرداد ۱۳۷۶): در این دوره که با پایان جنگ و بحران و شروع دوره بازسازی و سازندگی کشور همراه است، نشریات زنان به تعداد متعادل تری رسیده و از لحاظ محتوا نیز اعتدال بیشتری در آنها دیده می‌شود. در این دوره نشریات هنری، ادبی، مذهبی و سیاسی به جراید کشور افزوده می‌شود. علاوه بر نشریات تخصصی زنان در این دوره، تعدادی نشریات خانوادگی نیز دیده می‌شوند که بیشتر مخاطبان شان را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. ۱۱ نشریه زنانه جدید به این قشر مطبوعاتی کشور پس از جنگ ملحق شدند.

دوره دهم (از سال ۱۳۷۶ و آغاز دوره اصلاحات تا به امروز): تحولاتی که به واسطه دوم خرداد ۱۳۷۶ در کشور به وقوع پیوست، منجر به تغییراتی در امر نهادینه شدن مشارکت زنان گردید تا بدان جا که امروز حضور زنان در اجتماع به لحاظ بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های آنان امری مسلم و پذیرفتنی است و تحولات پرشتاب دنیای معاصر و تحولات اجتماعی روبه‌رشد نیز توجه به ایجاد تشکلهای و نهادهای مطبوعاتی برای پیشبرد امور زنان را ضروری نموده است. در این دوره با رشد چشمگیر کیفی و کمی نشریات کشور روبرو هستیم؛ به طوری که تعداد و تیراژ جراید کشور به طور غیرمنتظره‌ای

افزایش یافته که عموماً با مضامین اصلاح طلبانه و روش سیاسی منتشر شده‌اند. اولین روزنامه بانوان نیز در مهر ۱۳۷۶ مجوز انتشار گرفت.

سخن پایانی

زنان روزنامه‌نگار کشور ما می‌توانستند و می‌توانند نقش بسزایی در روشن‌گری تاریخ زنان ایرانی داشته باشند و اگر تاکنون نقش و جایگاه زنان ایرانی آن چنان‌که باید در جامعه تبیین نشده است، تا حد زیادی مسئولیت آن بر عهده زنان روزنامه‌نگار ماست.^۳

متأسفانه خیزش بانوان برای رسیدن به حقوق مدنی و اجتماعی و فرهنگی، پس از بیداری اندک آنان، همواره با دو جریان افراطی ناسالم روبرو بوده که هر کدام به نوعی آن را از مسیر منحرف و شرایط را دشوارتر می‌کرده است. از یکسو تعصب کورکورانه اجتماعی و سیاسی که زن را مستوره و پرده‌نشین قلمداد نموده و از ورود به عرصه فعالیت‌های اجتماعی به شدت جلوگیری می‌کرد و از سویی دیگر جریان درست برخلاف پیشین که زن را به در تقابل و روبرویی با مردان جامعه فراخوانده و در شکل‌دهی رفتاری او نوعی تهاجم و تزاخم را در برابر پدران و برادران خود توصیه نموده بود. حاصل هر دو رویکرد در نهایت به زبان زن و ورود او به فعالیت‌های سالم اجتماعی و سیاسی جامعه شده است.

خروج از این وضعیت جز با درایت و برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی در مورد زنان و نقش آنان در تطور اجتماعی شدنی نیست و در این میان بی‌شک زنان، به ویژه زنان فرهیخته و اهل قلم، رسالتی انکارناپذیر دارند و می‌توانند با نوشتن و طرح منصفانه مسئله به حل آن کمک نمایند.

زنان روزنامه‌نگار در ایران، هر چند تعدادشان اندک و ورودشان به عرصه اجتماعی بسیار دیر بوده است، اما می‌توانند به سرعت این خلأ را پر کرده و با تلاش مجدانه خود زمینه را برای ایفای بهتر نقش اجتماعی خویش فراهم آورند.^۴

۳. نشریات ویژه زنان، ص ۱۶.

۴. نشریات ویژه زنان، ص ۱۲.

تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران

فاطمه یاقوتی

تحولات نیمه دوم قرن بیستم میلادی، نگرش به علوم انسانی از جمله تاریخ را دستخوش تغییر کرد. اگرچه ریشه این تحولات را می‌توان در دهه‌های پیشین نیز جستجو کرد، ولی جنگ جهانی دوم همانند جنگ جهانی اول آثار و عوارض عمیقی بر کشورهای جهان، به ویژه اروپا و آمریکا بر جای نهاد. مورخان، جامعه‌شناسان و دیگر پژوهشگران علوم اجتماعی برای آسیب‌شناسی بحران‌های پس از جنگ جهانی دوم مانند بیکاری‌های گسترده، تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاها و کارگری، جنبش‌های زنان و مهاجرت‌های پراکنده و دسته‌جمعی روش تاریخ شفاهی را به کار گرفتند.

در مطالعات تاریخی تعاریف متعددی را برای تاریخ شفاهی ارائه کرده‌اند که شاید بتوان تعریف کلی و عمومی آن را این دانست: استفاده از مصاحبه هدفمند و فعال برای ضبط و ثبت مشاهدات عامل یا ناظر تاریخی و گردآوری داده‌های تاریخی. اساس کار تاریخ شفاهی ضبط و ثبت خاطرات شخصی با اتکا بر سازوکار مصاحبه فعال است.

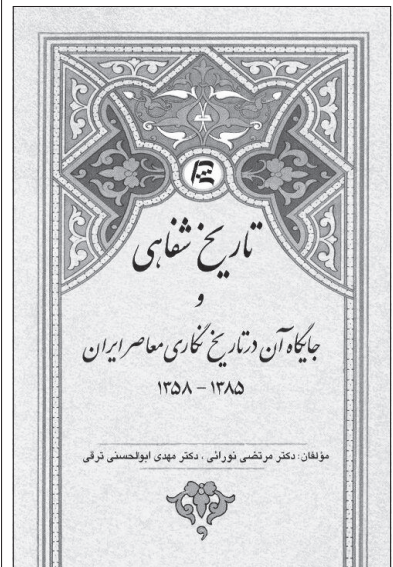
کتاب «تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۸۵-۱۳۵۸ش)» کتابی است به قلم دکتر مرتضی نورایی و دکتر مهدی ابوالحسنی ترقی در ۴۳۰ صفحه که سال ۱۳۹۴ توسط پژوهشکده تاریخ اسلام به چاپ رسیده است. این کتاب در واقع رساله دکتری مهدی ابوالحسنی به راهنمایی دکتر مرتضی نورایی است.

کتاب در سه بخش نگاشته شده است: بخش اول شامل مباحث نظری و روش‌شناسی تاریخ شفاهی است که به زعم نویسنده بیشترین وقت را برده است. بخش دوم کارکرد تاریخ شفاهی در تولیدات تاریخ معاصر را بررسی می‌کند و بخش سوم به ویژگی‌ها و آسیب‌شناسی تاریخ شفاهی ایران می‌پردازد.

نویسنده در تدوین بخش اول که بحث فلسفه وجودی، ماهیت و روند شکل‌گیری این روش، مقایسه تحلیلی تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری، موضوع یابی، مصاحبه فعال و مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی با سنت شفاهی و خاطره‌نگاری، موضوع یابی، مصاحبه فعال و مشکلات نظری و کارکردی تاریخی شفاهی فصول شش‌گانه این بخش را تشکیل می‌دهد، از مقالات غربی استفاده و نظریات آن را با زبان ساده و مختصر مطرح کرده است. طرح اولیه پژوهش حاضر بر مطالعه علمی و تئوریک تاریخ شفاهی و ساز و کارهای آن اشاره کرده است که خود نخستین قدم را در تنظیم و تدوین هر تحقیق است. در این بخش دو چالش اساسی در استفاده از تاریخ شفاهی ایران که یکسان‌انگاری سنت شفاهی با سازوکار تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی است به طور مشروح نقد و ارزیابی شده است.

نویسندگان در بحث یکسان‌انگاری سنت شفاهی و تاریخ شفاهی که در سال‌های اخیر و به دنبال نگارش تاریخ‌های مبتنی بر داده‌های شفاهی انجام شده است، خواسته یا ناخواسته این دو را یکی انگاشته‌اند و نیز در تعریف معنا و تبیین اصطلاح تاریخ شفاهی دچار سهوهای بنیادی شده‌اند، اما نویسندگان این کتاب معتقدند داده‌های تاریخی بر اساس روایات و اخباری که سینه‌به‌سینه نقل شده‌اند، پیشینه‌ای

تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۸۵-۱۳۵۸ش)؛ مرتضی نورایی و مهدی ابوالحسنی ترقی؛ تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴.



به مراتب طولانی‌تر از روش علمی تاریخ شفاهی؛ یعنی گردآوری اطلاعات تاریخی بر مبنای مصاحبه هدفمند فعال و آگاهانه است.

مؤلفان این کتاب در بحث یکسان‌نگاری تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری این پرسش کلیدی را مطرح کرده‌اند: آیا اطلاق عنوان تاریخ شفاهی بر انواع خاطره (خودنگاشت، دیگر نگاشت، مکتوب و شفاهی) از نظر علمی صحیح است؟ خاطره‌نویسی و تاریخ شفاهی از ابعاد ماهیتی، سازوکار و کارکرد، تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. نیز خاطره - که خود نوعی روایت شمرده می‌شود - هسته مرکزی تاریخ شفاهی و مهم‌ترین دستاورد مصاحبه است، اما نکته اساسی این است که خاطره در خاطره‌گویی یا خاطره‌نویسی تنها یک فاعلیت دارد، در حالی که در تاریخ شفاهی به دلیل حضور مصاحبه‌گر و طرح پرسش‌های آگاهانه، فاعلیت دوگانه است و روایت و متن تولیدشده حاصل تعامل و گفت‌وگو با مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شونده است. بدین ترتیب هم مصاحبه‌گر و هم مصاحبه‌شونده در حکم مورخ هستند.

نکته‌ای که به نظر می‌رسد در این بخش اول از آن غفلت شده باشد، برداشت مؤلفان از شناخت تاریخ شفاهی است که بیشتر ذهنی است و مؤلفان در این بخش مشخص نکرده‌اند که تاریخ شفاهی را در حوزه تاریخ نقلی یا تاریخ تحلیلی قرار می‌دهند؟

در جای جای کتاب درباره به کارگیری روش علمی، ماهیت و چیستی و فلسفه وجودی تاریخ شفاهی صحبت شده است، اما آنچه که درباره فلسفه تاریخ شفاهی آمده، پیش از آنکه مربوط به فلسفه تاریخ شفاهی باشد، بیشتر تأکید بر ضرورت تاریخ شفاهی است و این خیلی متفاوت است از اینکه ما درباره چیستی تاریخ شفاهی صحبت کنیم.

در بخش دوم کتاب، نویسندگان به کاربرد این روش (تاریخ شفاهی) در تاریخ‌نگاری معاصر ایران و نیز به نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران

بر شکل‌گیری دیدگاه‌های نوین تاریخ‌نگاری و استفاده از روش‌های مدرن گردآوری آگاهی‌های تاریخی در ایران پرداخته است. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی بر تغییر نگرش محققان، شکل‌گیری مراکز تاریخ شفاهی ایران در داخل و خارج از کشور و سودبردن از روش‌های علمی نوین مانند تاریخ شفاهی برای اجرای تحقیقات تاریخی اثر گذاشته است.

تعدد مراکز و مؤسسه‌های دست‌اندرکار تاریخ شفاهی ایران در داخل و خارج کشور و تنوع تولیدات تاریخ شفاهی ایران، لزوم آشنایی با این مراکز و نقد و بررسی تولیدات آنها را دوچندان می‌کند. نویسندگان هفت مؤسسه و مرکز عمده دست‌اندرکار تاریخ شفاهی در ایران را به ترتیب شکل‌گیری و فعالیت معرفی و به نتایج حاصل از تحلیل و ارزیابی گزیده آثار تاریخ شفاهی آنها اشاره می‌کنند. این مؤسسات شامل بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) هستند که به اختصار به آنها اشاره شده است. در بخش تولیدات تاریخ شفاهی خارج از کشور نویسندگان از فعالیت سه مؤسسه در زمینه تاریخ معاصر ایران نام برده که عبارتند از: دانشگاه هاروارد، تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا و تاریخ شفاهی چپ در ایران و از هر مؤسسه به طور متوسط سه اثر را ملاک قرار داده و از نظر تاریخ شفاهی ارزیابی و آسیب‌شناسی نموده و در نهایت برای آن راهکارهایی نیز ارائه کرده است.

در بخش سوم که بخش نهایی اثر است نویسندگان با توجه به روند شکل‌گیری مراکز تاریخ شفاهی ایران در داخل و خارج کشور و نقد و تحلیل محتوایی آثار این مراکز، امتیازها و آسیب‌های مراکز و تولیدات تاریخ شفاهی ایران را برمی‌شمرند و در آخر راهکارهایی برای

بهبودسازی کارکرد تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران پیشنهاد می‌کنند.

از مهم‌ترین امتیازهایی که در این بخش بر تاریخ شفاهی برشمرده می‌شود، روایت بسیاری از مطالب و رویدادها و نقاط تاریک یک قرن گذشته ایران و در برخی موارد تاریخ جهانی بوده است؛ گرچه همواره این روایات در نوبت راستی‌آزمایی قرار خواهند گرفت. نویسندگان این کتاب آسیب‌های مراکز و تولیدات تاریخ شفاهی را در نگاهی کلی، نبود نظریه، عوام‌زدگی در نظریه‌پردازی، ارائه کار بازاری و قدرت‌مداری به جای در مدار سازوکار علمی قرار گرفتن مفاهیم دانسته‌اند و راهکارهایی برای حل آن ارائه کرده‌اند، که البته این راهکارها به صورت آنی و فوری تحقق نمی‌یابد و در نگاهی خوش‌بینانه مستلزم گذشت زمان بیشتر است؛ راهکارهایی مانند مشارکت دانشگاه‌ها و محافل علمی است در راه نظریه‌پردازی و علمی‌کردن فعالیت‌ها. در این صورت تحقق این راهکار بسیاری از آسیب‌های فراروی تاریخ شفاهی ایران مرتفع و استانداردهای رایج در دنیا در تمامی مراحل به کارگیری روش تاریخ شفاهی از طراحی تا تدوین رعایت می‌شود. فاصله‌گرفتن از حوزه سیاست و رویکرد به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نه بر اساس تمرکز بر نخبگان و مرکزگرایی یکی دیگر از راهکارهای اساسی برای رفع مشکلات تاریخ شفاهی کنونی ایران است. همسومنایی یا ادغام فعالیت نهادهای مرتبط در مرکزی واحد و حذف اقدامات و فعالیت‌های تکراری و موازی کاری می‌تواند راهکار مناسب دیگری در به‌کارگیری این روش باشد.

در آخر گفتنی است که کتابی به وسعت این اثر از نظر فراگیری بودن موضوعات در باب تاریخ شفاهی در ایران سراغ نداریم. مؤلفان این اثر تقریباً همه مباحث مربوط به تاریخ شفاهی را کم‌وبیش مدنظر قرار دادند؛ به ویژه که با مراجعه به مراکز مختلفی که متولی امر تاریخ شفاهی بودند به بررسی مزایا و آسیب‌های تاریخ شفاهی ایران پرداخته و راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود و افزایش کارایی این روش عرضه کردند.

تغییرات اجتماعی در ایران از نگاه مورخان پارسی‌نویس بلعمی تا جوینی

حمیده سلطانی مقدم

این کتاب شامل چهار بخش، پیشگفتار و مقدمه است. عنوان کتاب «تغییرات اجتماعی در ایران از نگاه مورخان پارسی‌نویس» است. باید گفت مؤلف بیشتر با تکیه بر منابع این دوران به بررسی تاریخی پرداخته است تا نگاه آنان. در واقع خود به تحلیل و توصیف این دوران و کنش‌ها و عوامل تغییرات پرداخته، آن هم نه فقط اجتماعی، بلکه حتی بیشتر ساختار و تشکیلات قدرت‌یابی آنان و نوع مملکت‌داری این حکومت‌ها را بررسی کرده است. مؤلف به ویژگی‌های به وجود آمده و عوامل متفاوت به قدرت رسیدن آنها اشاره دارد و اگر نگاهی به تغییرات اجتماعی داشته از این منظر است. گرچه بعضی عنوان‌ها را در بخش‌های کتاب به نگاه مورخان اختصاص داده است؛ مثلاً در بخش سوم «نگاه مورخان به ساختار پادشاهی» یا «جایگاه دین و عالمان در اندیشه مورخان عهد سلجوقی» و «عنوان نگاه مورخان به مفهوم تقدیر» عناوینی است که اختصاصاً به نگاه مورخان پرداخته شده است، اما در کل می‌توان گفت نگاه جامعی را به طور توصیفی به حکومت‌های اولیه تا دوره میانه و مغولان داشته است و توانسته با تحلیل‌های خود در مقایسه آنها با یکدیگر اطلاعات جامعی را به خواننده بدهد.

عناوین بخش‌ها عبارتند از:

- شکل‌گیری حاکمیت ایرانی در بستر خلافت عباسی
- ساختار حکومت ایرانی: از وابستگی تا استقلال
- حضور کنشگران ترک در ساختار قدرت
- خوارزمشاهیان و مغولان حلقه‌ای دیگر از تغییرات اجتماعی در ایران

در بخش اول حلقه‌های تغییرات اجتماعی تشکیل خلافت عباسی از مرحله دعوت داعیان تا حرکت مأمون از مرو به سمت بغداد و استقلال خراسان در فصل‌های مجزا بررسی شده است. نقش کنشگران ایرانی اعم از داعیان، امرای نظامی و دیوان‌سالاران و تأثیرات آنها در ساختار موجود و بازتولید آنها در تشکیل خلافت عباسی و نهادهای وابسته به آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و در کنار آن به نقش شیعیان در ایجاد

تغییرات اجتماعی در ایران از نگاه مورخان پارسی‌نویس بلعمی تا جوینی؛ مریم کمالی؛ تهران: روشنگران، ۱۳۹۴.



خلافت عباسی و روند اقدامات آنها پس از شکل‌گیری خلافت پرداخته می‌شود. نویسنده در این بخش به این نتیجه می‌رسد که حلقه ارتباط ایرانیان در همان ساختار عباسی در قالب دیوان سالاری ادامه یافته است و این‌گونه کنشگران ایرانی به تدریج حکومت عباسی را نیازمند خود کردند، اگرچه عباسیان از این غافل نماندند که مراقب قدرت‌گیری ایرانیان باشند. همان‌طور که پیش‌آمد خاندان‌های بزرگ دیوان سالار از جمله ابن سهل و برمکیان را از میان برداشتند، ولی نتوانستند در درازمدت جلوی استقلال آنها را بگیرند. شورش‌های خراسان پیامد از میان بردن برمکیان بود. بعدها تقسیم قدرت میان فرزندان هارون، ایرانی‌ها را به یک سر این قدرت مرتبط ساخت و با دستیابی مأمون به سلطنت ایرانیان گرد او به قدرت رسیدند و مأمون که خراسان را تختگاه خود انتخاب کرده بود، مجبور شد پس از چندی به ناچار راهی بغداد شود و با فرستادن طاهر به خراسان زمینه تشکیل اولین حکومت ایرانی را فراهم آورد.

بخش دوم: ساختار حکومت ایرانی از وابستگی تا استقلال

رسیدن امویان به قدرت و تلاش آنها برای استقرار ساختار برتری نژادی عرب و اشرافیت جاهلی تلنگری بود که ایرانیان را به بازگشت و تفکر در مورد ساختارهای گذشته و گذشته تاریخی خود وادار تا آنان در صدد برآیند تا هویت خود را احیا کنند. سرانجام تلاش پیگیر آنها در آستانه قرن سوم موجب شد فصلی دیگر از تغییرات اجتماعی ایران پس از اسلام ورق بخورد و ایرانیان در سرزمین خود به بازتولید ساختارهای ایرانی دست زنند. این بار عباسیان بودند که تغییرات اجتماعی را به نفع ایرانیان قبول کردند. تشکیل حکومت‌های طاهری در اوایل قرن سوم و سامانی اوایل قرن بازناتاب تلاش ایرانیان در بازتولید ساختارهای حکومت ایرانی بود، خصوصاً سامانیان که با پرداختن به مقولات فرهنگی تقویت دیوانسالاری ایرانی و حفظ نقش خود به عنوان مرزداران ایرانی گام به‌گام حکومت ایرانی بر ایران را جلوه‌گر نمودند. بعدها صفاریان که منشأ قدرتشان نیروی نظامی و کفایت خودشان بود، خلافت عباسی را با چالش جدی مواجه کرد و مقدمه استقلال ایرانیان را بیش از پیش فراهم کرد. بیش از آنها آل بویه با تسلط بر تختگاه بغداد بیش از پیش تغییرات اجتماعی در قالب ایرانی را بازتولید نمود. آل بویه نقطه عطفی بود که از یک سو قدرت صفاریان را احیا کرد و با استفاده از ضعف خلیفه عباسی تلاش ناتمام آنها را به فرجام رساند و از سوی دیگر با تکیه بر ساختار قدرت شیعی، نگاهی نو در ایجاد حکومت‌های دینی را فرا رو قرار داد. در ادامه حکومت‌های محلی آل زیار و علویان طبرستان نیز مورد واکاوی در این مدار قرار می‌گیرند.

در مقایسه دو سلسله ابتدایی، یعنی طاهریان و سامانیان با سلسله‌های بعدی صفاریان و بویه‌پیمان باید گفت دو سلسله اولی با استفاده از منابع ساختاری که با تأیید خلیفه به مشروعیت می‌رسید حکومت می‌کردند. اقدامات طاهریان مستقل از بغداد نبود. تلاش طاهر و جانشینان او را در استقلال از بغداد را آل سامان به بار نشانند و در عین وفاداری به خلافت، استفاده از دیوان سالاران ایرانی و احیای فرهنگ و سنت سامانی تعریفی جداگانه به سلطنت آنها داد.

اما صفاریان نه از کسی منشور گرفت و نه متکی بر تبارش بود. او با تکیه بر قوای خوارج و عیاران و استفاده از ابزار مخالفت با خلیفه به عنوان منبعی برای مشروعیت خود در کنار مشروعیت برای او محبوبیت را نیز به ارمغان آورد. بویه‌پیمان نیز با توجه به قرار گرفتن در میان دو خلافت بزرگ عباسی و فاطمی مسیر تغییرات اجتماعی را به سمت بغداد گستراند و سهم عباسیان از قدرت را به حداقل کاهش داد.

بخش سوم: حضور کنشگران ترک در ساختار قدرت

نویسنده از ابتدای حضور ترکان در ساختار قدرت را بررسی کرده و بازشدن راه آنها به عنوان حاکمان بلانماز در ایران روند قدرت‌گیری آنها را بررسی کرده است. دو سلسله غزنوی و سلجوقی در قرن چهارم و پنجم با استفاده از منابع ارزشمندی که حکومت‌های ایرانی سامانی و آل بویه در اختیار آنها قرار داده بود ساختارهای متفاوتی را ایجاد کردند. شکل‌گیری نهادهای مهم قدرت از جمله سلطنت، وزارت و امارت

در همین دوران شکل گرفت. با آمدن سلطان مسعود، دولت غزنوی که با اقتدار به بازتولید ساختارهای قدرت سامانی پرداخته بود و می‌رفت با شکست کامل آل بویه یک امپراتوری اسلامی را به ثمر رساند. آنها با دنبال کردن اهداف غزنویان در تمسک به حمایت از خلافت و قدرت نظامی به تثبیت قدرت خود پرداختند. نویسنده به جایگاه دین و عالمان در اندیشه مورخان عهد سلجوقی نیز پرداخته است. از نگاه مورخان یکی از امتیازات هر کنشگر، به ویژه پادشاه تعلقات دینی اوست که در دین اسلام خلاصه می‌شود. مؤلف در ادامه به جایگاه مدارس نظامیه در ایجاد یکپارچگی دینی و فکری می‌پردازد. وی نظام الملک را به عنوان شخصی که وحدت سیاسی را در سایه وحدت دینی می‌بیند معرفی کرده و به این باور است که مدارس نظامیه به لحاظ ساختاری و توجه به علم و نشر آن در جامعه نقطه مثبتی در کارنامه عملی خواجه است. اسماعیلیان با اعتقادات شیعی مخالف جریان حاکم دور پیچیده‌ای از تغییرات سیاسی در ساختار حکومت سلجوقی را پشت سر گذاشتند و با وجود تمام تلاش‌های سلجوقیان راه خود را برای تغییرات اجتماعی تا ورود هولاکوی مغول در ایران ادامه دادند. مؤلف در ادامه به نقش امرا و نظام اتابک و اقطاع نیز اشاره دارد که هر کدام چگونه در تغییرات اجتماعی و کنش‌های آن تأثیر داشتند. سرانجام هم امپراتوری سلجوقی با تضعیف ساختار دیوانسالاری و گسترش قدرت انحصارگرایی نظامیان به سرزمین چهل تکه تبدیل شد. دوران پس از خواجه نظام الملک خیلی زود با تضعیف ساختار قدرت دیوان سالاری گره خورد.

بخش چهارم خوارزمشاهیان و مغولات حلقه‌ای

حضور مغولان در ایران با منابع ساختاری متفاوتی که آنها به عرصه سیاسی آوردند و دیالکتیک آنها با ساختارهای اسلامی ایرانی زمینه تغییرات سیاسی را فراهم آورد. کشتار عظیم آنها و ویران ساختن ساختارهایی که قرن‌ها از بازتولیدشان می‌گذشت با جایگزین کردن ساختارها و کنشگران جدیدی همراه شد که متن جامعه را نیز دگرگون کرد و به اختلافات مذهبی و فکری دامن می‌زد. رویکرد مورخان از منظر تغییرات اجتماعی در حمله مغولان به ایران این بود که حمله این قوم به ایران تقدیر ایران بود. خلافت عباسی می‌توانست با جمع‌آوری منابع ساختاری حکومت‌های شکل‌گرفته درون خلافت از حمله مغول جلوگیری کند، ولی به عکس آنها خود با این ساختارها در حال مبارزه بودند. بنابراین مغولان توانستند با حذف اسماعیلیان و دیگر حکومت‌ها راه را برای خود باز کنند.

نویسنده بر این نظر است که ساختار قدرت در ایران دوره میانه بنا بر توازن بازتولید ساختارها توسط کنشگران بر اساس دو عامل جنگ و دین شکل گرفت. این دو عامل در کنار یکدیگر همواره باعث ایجاد مشروعیت و گاه مشروعیت‌زدایی از ساختارهای سیاسی بودند. با حمله مغول به ایران مورخان از برهم خوردن توازن قدرت در ایران روایت می‌کنند. آنچه مورخ را وامی‌دارد تا در مورد مشروعیت شمشیر تردید داشته باشد، همانا قرار گرفتن آن در دست کنشگران مغول برای از میان بردن ساختارهای اسلامی و قتل عام مسلمانان است. حکومت‌های ایرانی از طاهریان تا خوارزمشاهیان مدعی قانون و قواعد جدید نبودند و از این رو با تکیه بر دیوان سالاری ایرانی به بازتولید قوانین گذشته و اجرای آن می‌پرداختند، ولی چنگیز که با سرزمین مغولستان پای در راه تاریخ‌سازی گذشته بود، ایران را مثل دیگر سرزمین‌های فتح شده بخشی از امپراتوری مغولستان می‌دانست و از این رو ضمن گسترش ساختار خشونت قوانین یاسا را در ایران به اجرا گذاشت. این قوانین بر خلاف قواعد دیوان سالاری نه بر علم و تجربه‌های درس‌آموخته که بر بی‌دانشی و خرافات استوار بود. مغولان به داشتن تسامح دینی معروف بودند، اما عملکرد آنان و تأکیدشان بر قوانین یاسا مسلمانان را در انزوای سیاسی و اجتماعی نگاه می‌داشت.